



ونوس بهنود\*

## تیغ زنی، خشونت مالی علیه مردان

از زمانی که پای دختران به دانشگاه‌ها باز شد و مطالبه شغل برای آنها مطرح شد، تقسیم‌بندی مسئولیت‌های مالی در خانواده‌ها تغییر کرد. هر چند این تغییرات با انحرافی به زیان مردان و زنان همراه بوده و درواقع دست هر دو طرف را خالی گذاشته است.

ایستادن روی پلی که یک سمت آن سنت است و سمتی دیگر مدرنیته، به دلیل فقر آموزش جامعه موجب شده تا هیچ‌گونه عدالت رفتاری در رفتارهای مالی زوجین دیده نشود. گروه کثیری از زنان معتقدند هر آنچه درآمد آنها است متعلق به خودشان است و در مقابل گروه اندکی معتقدند باید در تأمین هزینه‌های زندگی با مردان خود شریک شوند.

اما تأکید به سنت‌ها آنجایی که به ظاهر به نفع زنان است و درآمدشان را از آن خودشان می‌کند به همان اندازه مخرب است که تأکید به ممانعت از اشتغال زنان و قول مردان برای تأمین مالی آنها.

معضل عدالت مالی در خانواده‌ها به اینجا ختم نشده و در رابطه با جنس

مخالف موضوع تحمیل هزینه‌ها یا به اصطلاح عامیانه، تیغ‌زنی به عنوان یک سیاست رفتاری تعریف شده است.

اینکه زنان یا عشوه‌گری بتوانند جیب مردان را خالی کنند، خشونت جدید مالی است که گریبان‌گیر نسل جوان شده است. تمام زنانی که در صورت حضور یک مرد در سمت واکن بانوان در مترو داد و فریاد می‌کنند و یا در صورت اعتراض به حجابشان فریاد تظلم‌خواهی سر می‌دهند، در رعایت عدالت مالی رفتار مغایری دارند. مردان مطابق سنت و مطابق شرع موظف به تأمین مالی و تأمین تمامی هزینه‌های آنها هستند و در کمال شگفتی چنین سنتی با تغییر وضعیت اشتغال زنان تغییر نمی‌کند. لقمه‌خوری غلط ما در موضوع مالی نمود باورهای اخلاقی نابالغ ما است. به نظر می‌رسد در تغییر باورها و سلاقی زندگی هیچ یک از الگوهای موفق و معتدل را به‌درستی پیاده نکرده‌ایم. برخی باورها در تحمیل هزینه‌ها انتقام‌گیری عنوان می‌شود. اینکه در رابطه‌ای که جدی گرفته نمی‌شوی حداقل دست‌خالی نماند و چیزی برایت بماند. خشونت مردان علیه زنان با رفتار متقابل

خشونت مالی پاسخ داده می‌شود و در این میان رفتار صحیح دو جنس از سوی هیچ نهادی آموزش داده نمی‌شود. در برخی مواقع رابطه تیغ‌زنی چه در ارتباط رسمی چه در ارتباط غیررسمی به جای باریک نیز کشیده می‌شود و تهدید برای بازپس‌گیری پول‌های خرج‌شده یا خشونت رفتاری و جنسی در پی خشونت مالی تجربه می‌شود. برخی مردان در ادامه خشونت مالی تجربه‌شده، خیانت را به ماندن در کنار زنی که برای پول با او همراهی می‌کند، ترجیح می‌دهند و این همه در حالی است که هیچ‌یک از طرفین خواهان مسئولیت‌پذیری و رفتار عادلانه نیست. مشاوران خانواده می‌گویند مردها را پررو نکنید و هزینه‌هایتان را به آنها تحمیل کنید تا ارج داشته باشید. مردان نیز احساس می‌کنند همچنان نقش سنتی نان‌آور را بازی می‌کنند درحالی‌که در جلد مردان مدرن حامی کار و تحصیل زنان هستند. مغلطه‌ای که مدرسه و دانشگاه در مقابل آن سکوت کرده و می‌رود تا اخلاق یک نسل را به آسیب بکشاند.

فعال رسانه



### یادداشت

#### اقتصاد دستوری



عارف فصاحتی  
فعال رسانه‌ای

اقتصاد ایران اقتصادی تک بعدی و وابسته به درآمد‌های حاصل از فروش نفت است. به علت این وابستگی، مشکلات نقدینگی و سرمایه چالش همیشگی دولت‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد ایران بوده است.

این منبع درآمد همیشه تحت‌تأثیر مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای بوده و تأثیرپذیری مستقیمی از آنها داشته است. نوسانات جهانی قیمت نفت در اقتصاد نحیف و کوچک ایران که تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد نقش مهمی ایفا می‌کند. مدیریت این اقتصاد نابسامان با کانون‌های رانت و فساد پیدا و پنهان بسیاری که وجود دارد کار بسیار سختی است که هوشمندی زیادی می‌طلبد.

این اقتصاد شکننده که بسیاری از مسائل کلان آن با سیاست و خصوصاً سیاست خارجی گره خورده، نیاز به ترمیم و تقویت دارد.

دولت روحانی کام‌های خوبی در راه اعتمادسازی و بهبود روابط بین‌المللی برداشت که می‌توانست رونق و شکوفایی اقتصادی در پی داشته باشد، ولی متأسفانه با سنگ‌اندازی‌های داخلی و کارشکنی آمریکا با خروج از برجام تلاش‌های دولت روحانی عقیم ماند. حال دولت رئیسی که بسیاری از همفکران احمدی‌نژاد در ارکان آن صاحب کرسی‌های تصمیم‌گیری هستند، سکان‌دار سیاست و اقتصاد ایران شده است.

پس از گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از عمر دولت رئیسی تیم ضعیف اقتصادی دولت سیزدهم نشان داد که علی‌رغم وعده‌های قبلی خود توان سروسامان‌دادن اقتصاد کشور و بازار سرمایه آن را ندارد.

گواه این مدعی هم واکنش تعدادی از نمایندگان مجلس به عملکرد وزیر اقتصاد و کار و رفاه اجتماعی در ماه‌های اخیر است. حال با این اوصاف دولت رئیسی که حمایت همه‌جانبه‌ای را پشت سر خود و دولت‌ش می‌بیند، دست به اصلاح اقتصادی (جراحی اقتصادی) در بدترین زمان از لحاظ سیاسی و اقتصادی زده است. از یک طرف به خاطر تحریم‌ها منابع مالی کشور محدود است و از طرف دیگر مذاکرات احیای برجام به بن‌بست خورده است.

ارزش پایین پول ملی و بحران جنگ روسیه و اوکراین هم دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار هستند.

حال در چنین زمانی دست به اصلاح اقتصادی زدن و چندین برابرکردن قیمت مواد مصرفی و خوراکی آن هم به‌طور رسمی و توسط دولت که موجب آشفتگی بازار شده، باعث شگفتی است. چراکه علی‌رغم اعلام افزایش قیمت چند قلم کالا واکنش بازار، افزایش افسارکسیخته قیمت‌ها بوده است.

دولت دستوری رئیسی که با سلاح دستور به مقابله با مشکلات می‌رود این بار در مشکلی خودساخته گرفتار شده که شاید گذر از آن با دستور میسر نباشد و هزینه سنگینی را بر مردم تحمیل کند.

سفره محقر مردم کوچک‌تر شود و امنیت روانی آنها در معرض خطر قرار بگیرد. جراحی اقتصادی که قرار بود پارانهای پنهان را درست هدایت کند و به دست مردم برساند تا اینجای کار منجر به احتکار مواد غذایی توسط سودجویان و جهش بلند قیمت‌ها و هرج‌ومرج قیمت‌ها در بازار شده است. به هر حال درست یا غلط دولت رئیسی به سمت اصلاح اقتصادی حرکت کرده و مصمم به اجرای آن است. بالطبع مسئولیت این اصلاح یا (جراحی) اقتصادی مستقیماً بر عهده دولت رئیسی و حامیان دولت او است.



## دیوارهای بی‌حریم



سمیه درازی

به عنوان یک فرد عادی در این جامعه برای چندمین بار بود که از دوستان و آشنایان آبارتمان نشین یا برج‌نشین شنیده بودم که صداهای همسایگان کناری آنها را آزار می‌دهد؛ از مشاجرات زن و شوهر گرفته تا صدای تلویزیون، خنده‌های بلند.

این آثری برایم جای تأمل داشت که آدم‌ها در خصوصی‌ترین و امن‌ترین نقطه زندگی خود که می‌توانند منزلشان باشد، در امنیت نباشند و ممکن است صدای خصوصی‌ترین بخش زندگی خود را ناخواسته به گوش همسایگان برسانند.

با به‌وجودآمدن معماری جدید و تغییر بافت شهری کمتر کسی فرصتی برای حشر و نشر با همسایگان دارد، اما ضرورت رعایت حریم خصوصی همسایه‌ها همچنان باقی است. درون منزل برای هر کس، مکانی امن محسوب می‌شود که در آن هر عضو خانواده احساس آرامش می‌کند. اما به نظر می‌رسد بخشی از حریم خصوصی مردم در معماری جدید یا دیده نشده و یا از بین رفته است و سازندگان و مهندسیین و طراحان در ساخت خانه‌ها اصول مهندسی را به درستی اجرا نمی‌کنند یا اصلاً سوادشان به اندازه همین ساخت سازه‌هایشان است که اجازه می‌دهد همسایگان در اتاق خواب‌هایشان صدای همدیگر را بشنوند!

و نفع شخصی افراد بر منافع جامعه پیشی گرفته است.

مثلاً در اردبیل به جای توجه به معیارهای فرهنگی بیشتر به این نکته توجه می‌شود که خانه دارای یک پذیرایی بزرگ باشد و این امر باعث می‌شود فضای اتاق‌ها کوچک‌تر، نورگیری خانه نامناسب و فضای کمی برای آشپزخانه وجود داشته باشد.

همچنین بیشتر مواقع بزرگ‌ترین معیار برای ساخت‌وساز میزان پسند مردم از نقشه ساختمان است و آن هم اکثر مواقع مردم یک پذیرایی بزرگ که در ورود رو به پذیرایی باز می‌شود را مورد پسند قرار می‌دهند و معیارهای فرهنگی در ساخت‌وساز در نظر گرفته نمی‌شود بلکه این سلیقه افراد است که از بحث‌های کارشناسی پیشی می‌گیرد. وی درباره تبادل صدا در آپارتمان‌ها و توجه به تبادل صدا در ساخت‌وسازها اظهار کرد: یکی از عواملی که در تبادل صدا دخیل است کیفیت ساخت‌وساز است و این مسئله رابطه مستقیمی با هزینه آن دارد و همچنین به میزان اهمیت مردم به نوع مصالح و توانایی مالی ایشان در خرید مصالح باکیفیت برمی‌گردد.

به نظر می‌رسد در زمان ساخت‌وساز به مسائل فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی که ممکن است بُعد سکونت مردم در این ساختمان‌ها را تضعیف کند توجه خاصی نمی‌شود.

این کارشناس ادامه داد: درست است که بحث اقتصادی نقش اساسی در این موضوع دارد ولی سازندگان این ساختمان‌ها که آنها نیز از همین مردم هستند به مواردی ظاهری بیشتر از مسائل کارشناسی توجه می‌کنند؛ مثلاً شخصی حاضر است برای نما و نرده ساختمان هزینه گزافی بکند چون در خرید فروش خانه این موضوع اهمیت دارد، اما برای سازه ساختمان و عایق صدا اهمیتی قائل نیست.

اگر مردم در خرید خانه به مسائل کارشناسی وجود عایق صوتی و... توجه کنند، بی‌شک این موضوع یکی از معیارهای خرید و فروش قرار می‌گیرد و طبیعتاً سازنده‌ها

برای اجرای عایق صوتی تمایل پیدا خواهند کرد. ولی به نظر می‌رسد این مسائل به دلیل کاهش هزینه ساخت‌وسازها نه از طرف سازندگان و نه از طرف خریداران مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

وی در ادامه با اشاره به میزان تأثیر مهندسیین ناظر در کیفیت ساخت‌وسازها خاطرنشان کرد: سه نکته اساسی در این موضوع وجود دارد؛ اول میزان دانش و سواد تخصصی مهندسیین ناظر است که به کیفیت تحصیل در دانشگاه‌ها و مسائل آموزشی مربوط می‌شود. مورد دوم با فرض اینکه یک مهندس ناظر از دانش تخصصی کافی برخوردار است، باید به این نکته توجه داشت که در سیستم ما هنوز «نظارت ارجاع» به‌طور کامل اجرایی نمی‌شود و شخص مهندس ناظر رابطه‌اش با کارفرما قطع نمی‌شود. در بیشتر مواقع در مواردی که نظارت ارجاع وجود ندارد، مهندس ناظر برای اینکه بتواند مسئولیت نقشه را بر عهده بگیرد بسیاری از موارد را در نظارت نادیده می‌گیرد.

مورد سوم این است که گاهی در مواردی که نظارت ارجاع نیز وجود دارد، مهندس ناظر برای نظارت به ساختمان مراجعه نمی‌کند و حتی اطلاع دقیقی از محل پروژه که ناظر ساختمان آن هستند نیز ندارند.

به گفته وی برای رفع این مشکل باید یکسری فرهنگ‌سازی‌ها و دوره‌های آموزشی انجام گیرد مثلاً در شهرهای بزرگ مثل تهران هرچند هفته یکبار مهندس ناظر موظف است که گزارشی از وضعیت ساختمان ارائه دهد و این امر او را مجبور به نظارت دقیق از ساختمان می‌کند، حتی در برخی موارد دفاتر شهرداری مهندس ناظر را مجبور به گرفتن عکس از ساختمان می‌کنند، موردی که فعلاً در اردبیل بسیار کم انجام می‌شود. رحیمی فرد با اشاره به بحث‌های اقتصادی و نظارتی ساخت‌وسازها نیز گفت: بزرگ‌ترین بحث، سیاست‌گذاری‌های بالادستی است. اگر در موضوع نظارت یک سیاست‌گذاری دقیق وجود داشته باشد حلقه‌های پایین سیستم به نظارت دقیق رو خواهند آورد، اما به نظر می‌رسد در حال حاضر یک سیاست‌گذاری دقیق در بحث آموزش ساخت‌وساز، نظارت و... وجود ندارد و یا در بسیاری موارد نیز اراده قوی برای اجرای سیاست‌گذاری‌های موجود نیز کمتر دیده می‌شود.

در صورتی که سیاست‌گذاری‌ها، اجرای قوانین و فرهنگ‌سازی‌ها دقیق باشد، بسیاری از قوانینی که اجرای آن مستلزم بار مالی است با گران‌شدن خانه توجیه پیدا می‌کند. با وجود اینکه هزینه ساخت‌وسازها بالا است در صورت اصولی‌بودن اجرای طرح‌ها هزینه فروش خانه جوابگوی آنها خواهد بود. ولی در حالت کلی بزرگ‌ترین مشکل ما نظارت است و چون نظارت عملاً راه شده، بحث اقتصادی فعلاً حرف اول را در ساخت‌وساز می‌زند.